

روزنامه شرق سال شانزدهم • شماره ۳۴۳۶

چرا آزادی خرمشهر برای ایران اهمیت حیاتی دارد؟

محمدعلی بهمنی قاجار
کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

● ۳۷ سال پس از آزادی خرمشهر، اهمیت این واقعه بزرگ بیش از پیش محسوس و حائز اهمیت است. اگر خرمشهر آزاد نمی‌شد، چه رخ می‌داد؟ آیا ابزارها و سازوکارهای حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی از ایران پشتیبانی کرده و بالاخره عراق را وادار به خروج و عقب‌نشینی از خرمشهر می‌کرد؟ پاسخ روشن است؛ از زمان تجاوز عراق به ایران، سازمان ملل متحد، شورای امنیت، اب‌قدرت‌های غرب و شرق و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و حتی دولت‌های جهان‌سوم و عدم‌تعهد و جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه‌ای، همگی با با تجاوز عراق یعنی هماهنگی نشان دادند یا در بهترین حالت مهر سکوت بر لب زدند و جز چند کشور معدود مانند سوریه و لیبی که تا حدودی با ما همراه بودند، هیچ جای جهان نه کنار ما بود، نه تجاوز و اشغالگری عراق را محکوم کرده بود، اما حال بیابید فرض کنیم با ادامه جنگ و گسترش اشغالگری عراقی‌ها، بالاخره جامعه جهانی به زیان می‌آمد و در بهترین حالت شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد قطع‌نامه لازم‌الاجرا نیز تصویب و عراق را مکلف به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی می‌کرد، آیا باز امکان اعاده حاکمیت ایران بر خرمشهر بود؟ برای پاسخ کافی است که به رویه عملی جامعه جهانی در برابر اشغالگری‌های مشابه نگاه کنیم؛ اشغال تپه‌های جولان توسط اسرائیل، سرزمین‌های فلسطینی به وسیله اسرائیل و اخیرا اشغال آبخازیا و اوستیا و کریمه به وسیله روسیه. در همگی این موارد اشغالگران هزینه‌ای نبرداختند و با مرور زمان اشغالگری‌شان با وجود محکومیت‌های اولیه بین‌المللی، مشروعیت و رنگ واقعیت شده به خود گرفته و کشوری که اراضی‌اش اشغال شده نیز تن به این وضعیت خفت‌انگیز داده است. آری اگر خرمشهر آزاد نشده بود، مانند مرو، هرات، ننجوان، باکو و بحرین، از ایران منزوع می‌شد و این حداقل ماجرا بود، چه‌بسا خوزستان و جزایر ایرانی خلیج‌فارس نیز اشغال می‌شدند و دولت مرکزی فرو می‌پاشید، مزدوران صدام استفاده شده از نیروی بر ایران مسلط می‌شدند و مزدوران ایرانی رنگارنگ حزب بعث؛ ایران را تکه‌تکه می‌کردند و آرزوی خام‌طارق عزیز مبنی بر تجزیه ایران به پنج کشور محقق می‌شد، اما ایران و ایرانی مقاومت کرد و نگذاشت، ولی آیا از ظرفیت آزادی خرمشهر به نحو احسن استفاده شده؟ خیر، پس از آزادی خرمشهر، این رخداد باید به مثابه یک حماسه ملی و فراجناحی مورد تکریم قرار می‌گرفت، جنگ در اوج پیروزی‌های ایران و به بهترین شکل پایان می‌گرفت و خرمشهر و خوزستان چنان بازسازی می‌شدند که در توسعه و زیبایی رشک منطقه و جهان می‌شدند و با تاکید بر مشارکت همه ایرانیان از هر قوم و مذهب در حماسه آزادی خرمشهر که در تابلو تاریخی به خرمشهر خوش آمدید، جمعیت ۳۶ میلیون نفر نمود یافته بود، این حماسه به مثابه تمثیل آشکار وحدت ملی، تضمینی برای پاسداری از همبستگی ملی ایرانیان می‌شد، البته هنوز نیز دیر نشده و می‌توان برخی از ظرفیت‌های بالقوه حماسه آزادسازی خرمشهر را محقق کرد.

ادامه از صفحه ۶

الزامات و راه‌های ورود نسل جوان حزب‌اللهی به مدیریت کشور

- لزوم اصلاح سازوکارهای دیپلماسی فرهنگی و انتقاد از رویکرد محافظه‌کارانه در این حوزه
- انتقاد از رویکرد منفعلانه در سیاست خارجی که منجر به ارائه تصویری غیرواقعی از نظام شده است
- نفی پیشنهاد انفعالی مذاکره با آمریکا از زبان برخی افراد مرعوب و سیاست‌زده
- انتقاد از برخورد نامناسب با مطالبات علملمان، کارگران و پرستاران
- تبیین رشد آسانسوری برخی آقا‌زاده‌ها و جوانان فرصت‌طلب و وابسته احزاب و باندها به بهانه جوان‌گرایی

- انتقاد از نبود شفافیت در بررسی عملکردها و لزوم پاسخ‌گویی مسئولان ارشد بیت رهبری
- تاکید بر برپهیز از شرطی‌کردن جامعه در برابر تصمیم‌های آمریکا

- انتقاد از برخورد با نشریات دانشجویی و دادگاہی‌کردن و نقایل سلیقه‌ای با آنها
- انتقاد از عملکرد وزارت نفت در تحریم و وابستگی بودجه به نفت و خام‌فروشی
- انتقاد از کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم و نیز قراردادن میلیارد‌ها دلار از دولتی در اختیار عده‌ای خاص
- انتقاد از مسئولیت‌ناپذیری و فراقفنی گروه‌های سیاسی

- انتقاد از فرصت‌سوزی و معطل‌کردن مناسبات سیاسی به بهرام

سیاست

۳۷ سال از آزادسازی خرمشهر گذشت

شهرمان را چگونه پس گرفتیم؟



به شما سه راهکار دادیم؛ اما در میان آنچه شما گفتید، هیچ‌کدام از این راهکارها نبود. من به او گفتم: جناب سرهنگ، شما استاد هستید؛ مگر نمی‌دانید فرمانده در مقابل راهکارها یا یکی را انتخاب می‌کند یا هیچ‌کدام را؟ این‌طور جاها فرماندهی هم خیلی خطرناک می‌شود.

یک‌دفعه دیدم در آن صف آخر سردار سرتیپ «رحیم صفوی» دارد می‌خندد، بدون آنکه حرفی بزند. خنده‌اش هم مصنوعی بود. دیدم صحنه یک‌طور دیگر شد. یک‌دفعه «حاج‌احمد (متوسلیان)» برگشت و گفت: چرا می‌خندی؟ مثل اینکه چیز دیگری می‌خواهی بگویی. «صفوی» گفت: معذرت می‌خواهم. سوءتفاهم نشود، اما ما تابع دستور هستیم. تا آمدم از او تشکر کنم، «حاج‌حسین (خرازی)» هم حرف او را تکرار کرد و من ناخودآگاه گفتم پس چرا معطل هستید، وقت نداریم.

عبور از کرخه و کارون

از دهم اردیبهشت تا اول خردادماه، سه مرحله از عملیات انجام شد. در این سه مرحله بنا بر این بود که قراگاه «قدس» با عبور از رودخانه کرخه در محور شمالی، قراگاه «فتح» یا عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز– خرمشهر در محور میانی و قراگاه «نصر» با عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر در محور جنوبی به فرماندهی قراگاه مرکزی کربلا، «خرمشهر» را محاصره کند و در مرحله چهارم بازگرداندن خرمشهر به ایران. مرحله چهارم عملیات نهایتاً پس از سه روز جنگ بی‌امان در سوم خرداد با اخراج متجاوزان از خرمشهر پایان یافت. آن هم بعد از ۳۵ روز جنگ بی‌وقفه میان نیروهای ایران و عراق. در این بین خاطرات ژنرال‌های عراقی هم که زیر بمباران بودند خواندنی است. «وفیق السامرائی»، رئیس اداره اطلاعات ارتش عراق در زمان جنگ، در کتاب خاطرات خود با نام «یوئانی دروازه شرقی» نوشته: «ساعت ۱۰ شب ۲۳ یا ۲۴ می ۱۹۸۲ (دوم یا سوم خرداد ۱۳۶۱) در فضای باز حوالی سد «الدامه» مستقر شدم. این سد با آغاز حمله ایرانی‌ها، اساسی‌ترین خط دفاعی خرمشهر بود. شاهد تیراندازی‌های متقابل بودم. هنوز چیزی از شب نگذشته بود که تیراندازی‌ها قطع شد. یقین کردم که مقاومت مدافعان در هم شکسته است و نیروهای ایرانی دیواره دفاعی سد را در هم شکسته‌اند و تا رسیدن به اروندرود، به پیشروی خود ادامه می‌دهند. خرمشهر و اطراف آن و نیروهای مدافع به محاصره افتادند. صدها نفر از افسران و سربازان، مجبور شدند خود را به درون اروندرود بیندازند. عرض این رودخانه بیش از ۶۰۰ متر بود. سربازان برای نجات از اسارت و رسیدن به کرانه دیگر، خود را به رودخانه انداختند. تعداد زیادی از آنها در مرکز رودخانه غرق شدند. هنگامی که این خبر به صدام رسید، به لشکر هفت پیاده به فرماندهی سرلشکر ستاد «میسر ابراهیم‌الجویری» که در آن هنگام سرتیپ ستاد بود، دستور داد محاصره شهر را در هم بشکنند و نیروها را مستقر کند، وگرنه او و اعضای ستاد لشکر، همگی اعدام خواهند شد.» سرهنگ «کامل جابر»، از فرماندهان ستادی لشکر سوم عراق، در مورد روزهای بیرون‌شدنشان از خرمشهر می‌گوید: «ساعت هشت بامداد ۱۹۸۲/۵/۲۳ (دوم خرداد ۱۳۶۱) نیروهای

شنبه ۴۰ خرداد ۱۳۹۸

روزنه

محمد رضا عارف در نشست با خبرنگاران پارلمانی

امنیت و آرامش خبرنگاران یک اصل است

● **شرق:** بیشتر از یک ساعت تا اذان مانده بود. رئیس فراکسیون امید بالای میزی که خبرنگارها دورتا دورش بودند، نشستہ بود. پشت‌سر عارف روی تلویزیونی با حروف بزرگ نوشته شده بود: «نشست صمیمی دکتر محمد رضا عارف با خبرنگاران پارلمانی». وقتی که صدلی‌های دور میز تکمیل شد، رئیس فراکسیون امید شروع به صحبت کرد. اما همان‌طورکه خودش گفت قرار بود در این نشست درد دل‌های خبرنگاران پارلمانی را بشنود و به سؤال‌ها پاسخ دهد؛ به همین دلیل او خیلی کوتاه به حماسه‌های دوم و سوم خرداد اشاره کرد و راز ماندگاری انقلاب اسلامی در این چهار دهه را حضور مؤثر مردم دانست. عارف درباره وضعیت کنونی کشور هم گفت و نقش جنگ روانی علیه دشمن را برجسته کرد. او گفت: «مطمئن هستیم با توکل به خدا و تجربه چهار دهه گذشته از این دو جبهه سخت‌تر و پیچیده‌تر از جنگ رودرروی نظامی بیروز بیرون می‌آییم؛ البته شرط پیروزی ایجاد فضای سوم خرداد ۱۳۶۱ یعنی وحدت و انسجام و شنیدن یک صدا از مردم است.» عارف گفت که دولت‌مردان باید با مردم حرف بزنند، اگر مردم در جریان مسائل و مشکلات باشند و واقعیات را بدانند طبیعتاً همراهی می‌کنند، او از امکان آزادی عمل رسانه‌ها هم دفاع و تاکید کرد که باید نظامات صنفی رسانه‌ها را جدی‌تر دنبال کرد و به جای دادگاه و برخورد‌های امنیتی به سمت حل مسئله حرکت کرد. حالا نوبت خبرنگاران بود که از رئیس فراکسیون امید سؤال بپرسند. سؤال‌ها از عملکرد فراکسیون امید تا مشارکت مردم در انتخابات پیش‌رو گسترده بود. عارف سؤال‌ها را یادداشت می‌کرد و اغلب جواب‌های مبسوطی می‌داد. او درباره اظهارنظر رئیس دولت اصلاحات و نگرانی‌های ایشان برای مشارکت مردم در انتخابات پیش‌رو گفت: «الان شرایط کشور به‌گونه‌ای است که سرمایه اجتماعی جریانات سیاسی در کشور افت کرده است، مردم مطالباتی داشته و احساس می‌کنند که به مطالباتشان دست پیدا نکرده‌اند. این شامل مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوق مردم و فصل سوم قانون اساسی و وعده‌های داده‌شده می‌شود که عملیاتی نشده است.» عارف گفت مهم‌ترین راهبرد ما اصلاح‌طلبان نیز در انتخابات حضور جدی مردم است. در زمان خود برنامه‌هایمان را درباره چگونگی مشارکت اعلام می‌کنیم.» در ادامه سؤالی درباره انتخابات هیئت رئیسه پرسیده شد. عارف از وضعیت سه فراکسیونی مجلس و اکثریت‌نبودن امیدی‌ها گفت: «مجلس دهم ویژگی‌های خاص خود را دارد و روند شکل‌گیری آن به سمت سه فراکسیون حرکت کرد پس نمی‌توان روی خروجی فراکسیون‌ها حساب کرد به‌خصوص اینکه فراکسیون میانی عملاً تصمیم‌گیرنده است.» رئیس فراکسیون امید از کسانی که گفت که با لیست امید وارد مجلس شدند و بعد به سمت و سوی دیگری رفتند. بعد از این دست سؤالات، خبرنگاران دغدغه‌های حرفه‌ای خود را مطرح کردند و از بادداشت روزنامه‌نگاران گفتند. عارف در پاسخ به این مسائل گفت: «ما هر کاری بتوانیم برای خبرنگاران انجام می‌دهیم. فکر می‌کنم با فضای جدید قضایت و ریاست آقای رئیسی خیلی از مشکلات سامان یابد. برای ما امنیت و آرامش خبرنگاران یک اصل است که اگر آنها بتوانند حضور جدی‌تر داشته باشند در تلطیف‌شدن فضا تأثیرگذار است.» انتقادات به عملکرد فراکسیون امید، ریاست عارف و موضوع گفت‌وگوی ملی موضوعات دیگری بود که عارف درباره آنها صحبت کرد. عارف گفت از انتقاد استقبال می‌کند و در آینده نزدیک گزارشی از اقدامات فراکسیون امید به مردم خواهد داد. او گفت: «نمی‌گویم فراکسیون صدرصد در راستای مردم‌گرا هستیم، اما می‌دانیم که در مسیر گام برداریم. در همین راستا هم درباره شرایط اقتصادی جلساتی را با وزرا و کارشناسان برگزار کردیم که بعضاً به طرح یا قانون تبدیل شده.» او درباره دنبال‌کردن گفت‌وگوی ملی در بین سه فراکسیون مجلس و دیگر نهاده‌ها هم بیان کرد: «جلسه‌ای برای دادن کارنامه و خروجی نداریم ولی در مجموع از روند راضی هستیم چون کسانی که تا چند سال پیش حاضر به حرف‌زدن در برابر حاکمیت ایران افتح بصره کرد. عملیات‌های برای فتح بصره کرد. «فرماندهان نظامی (۱۳۶۱). والفجر مقدماتی (بهمن ۱۳۶۱)، والفجر اول (فروردین ۱۳۶۲)، خیر (اسفند ۱۳۶۲)، بدر (اسفند ۱۳۶۳) و کربلای ۴ (دی ۱۳۶۵) همگی در همین چارچوب برای تصرف بصره یا قطع ارتباط آن با بقیه عراق انجام شد. اما هیچ‌کدام از این عملیات‌ها به پیروزی نیروهای ایران منجر نشد. جنگ ایران و عراق شش سال دیگر بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد.

در نهایت تیرماه سال ۱۳۶۷ ایران در نامه‌ای به سازمان ملل آتش‌بس با عراق را پذیرفت. اما بعد از گذشت چهار دهه هر سال در آخرین فصل بهار یا روزهای مقاومت خرمشهر و بازگشتش به وطن دوباره جوانه می‌زند؛ جوانه مقاومت، اتحاد، مدلی و اراده.

از ۵۷۸ روز اسارت خرمشهر در دست نیروهای عراق، به گفته مفید «درمجموع در عملیات بیت‌المقدس بیش از ۱۹ هزار اسیر گرفتیم که ۱۳ هزار نفر آنها فقط در خرمشهر بودند که در بین آنها، بیش از ۲۶۰ نفر افسر بودند.»

شرایط سخت دیکتاتور

فتح خرمشهر عراق را به هم می‌ریزد. جایی که صدام حسین دیکتاتور عراق آن را خاکریز بصره می‌دانست. «وفیق السامرائی» نوشته است سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ و ۱۳۶۲) برای صدام سالی سخت بوده: «صدام درباره سال ۱۹۸۲ گفته است: سال ۱۹۸۲، و تو چه می‌دانی که سال ۸۲ چیست؟ او با این تعبیر سعی داشت دشواری شرایط این سال را بیان کند.» درست یک ماه بعد یعنی در تیرماه هم دادگاه نظامی صحرایی و غیرعقلی در بصره تشکیل شد. وزیر دفاع، عزت ابراهیم‌الدوری، معاون سیاسی صدام، رهبران حزب (بعث) و چندین نفر از اعضای ستاد فرماندهی نیروهای مسلح (عراق) که عمدتاً از وابستگان صدام بودند، در این دادگاه که شبیه دادگاه ویلهلم کایتل و هیتلر بود، شرکت داشتند. جلسه محاکمه هم مملو از داد و فریاد و فحش و ناسزا بود.

تغییر دکتربن جنگ پس از فتح

بازبس‌گیری خرمشهر نقطه عطفی در دکتربن ایران در جنگ است. درست بعد از عملیات موفقیت‌آمیز بیت‌المقدس جلساتی بین سران برای ادامه‌دادن یا متوقف‌کردن جنگ تشکیل شد. عبدالحسین مفید که در زمان جنگ معاون اطلاعاتی قراگاه خاتم‌الانبیا هم بوده، در گفت‌وگویی در سال ۱۳۸۸ با جعفر شیریعی‌نیا، مورخ، توضیح می‌دهد که تصمیم‌گیری راجع به جنگ بعد از گرفتن خرمشهر، در دو جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام‌خمینی گرفته شده که یکی سه روز و دیگری ۱۷ روز بعد از تصرف خرمشهر بوده است. به گفته مفید: «فرماندهان نظامی با جمع‌زدن آمار تلفات و خسارت‌های عراق در عملیات‌ها به نتیجه رسیده بودند که بیش از ۵۰ درصد توان ارتش عراق از بین رفته و یک حمله دیگری می‌تواند ضربه آخر به حکومت نیمه‌جان صدام باشد.» آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هم به شیریعی‌نیا در کتاب «روایتی از زندگی و زمانه آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی» گفته بود که در آن دو جلسه بیشتر نظامی‌ها صحبت کرده بودند. و مشخصاً قاسمعلی ظهیرنژاد رئیس وقت ستاد مشترک ارتش و محسن رضایی فرمانده وقت سپاه استدل‌ال‌های خود را در مورد ورود به خاک عراق توضیح دادند؛

استدل‌ال‌هایی که هاشمی‌رفسنجانی و دیگر مسئولان سیاسی نیز با آنها موافق بودند و نهایتاً امام‌خمینی را نیز متقاعد کرد. محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، اظهارنظرهای زیادی درباره ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر کرده است. او در سال ۱۳۹۰ گفته بود اگر ایران آتش‌بس با عراق را در آن مقطع قبول می‌کرد جنگ ۱۵ سال به درازا می‌کشید. رضایی پنج سال بعد گفت که «بعد از خرمشهر باید وارد جنگ عراق نمی‌شدیم بلکه باید اعلام می‌کردیم اگر دولت عراق به خواسته‌های ما عمل نکند، وارد خاک عراق می‌شویم. اگر دوباره برگردیم بر سر مرز خرمشهر [اما] کنار بعد از عملیات بیت‌المقدس] حتما می‌گویم که باید فرصت داد.» سرتیپ مفید هم در سال ۹۵ در همین زمینه گفته بود که امکان اینکه جنگ تمام شود در آن مقطع وجود نداشت: «به نظرم نه صلاح بود و نه آنها دست‌بردار بودند. آنها برای جنگ برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرده بودند. به‌خصوص آمریکا، که هدفش انقلاب بود. در آن تاریخ در فتح خرمشهر، انقلاب ما از لحاظ توان نظامی، توان روحی و مدیریتی به اوج رسیده بود؛ بنابراین جنگ از طرف مقابل ادامه پیدا می‌کرد تا آنها به هدفشان که اصل انقلاب بود برسند. از نظر نظامی هم ماندن در امتداد مرز مسطح و صاف به صلاح نبود.» هاشمی‌رفسنجانی در کتاب خاطرات ۱۳۶۱، درباره جلسه تصمیم‌گیری مسئولان برای ادامه جنگ نوشته است: «فرماندهان نظامی با حضور ما با امام بحث کردند و کارشناسانه تأیث کردند که ادامه جنگ با منع ورود به خاک عراق سازگار نیست. دشمن در جاهای زیادی در خاک ما است و اگر مطمئن بشود که نظام ما به خاک او وارد نمی‌شود یا ورود جزئی خواهد داشت، نه امتیازی خواهد داد و نه از نقاط حساس بیرون خواهد رفت و هر وقت آمادگی پیدا کرد در خاک ما پیشروی می‌کند و با این استدلال امام را قانع کردند.» به این ترتیب، ایران بعد از چهار عملیات موفق و بازپس‌گیری همه مناطق تحت اشغال نیروهای یعنی شروع به انجام عملیات‌های برای فتح بصره کرد. «فرماندهان (بهمن رمضان «تیر» مرداد ۱۳۶۱). والفجر مقدماتی (بهمن ۱۳۶۱)، والفجر اول (فروردین ۱۳۶۲)، خیر (اسفند ۱۳۶۲)، بدر (اسفند ۱۳۶۳) و کربلای ۴ (دی ۱۳۶۵) همگی در همین چارچوب برای تصرف بصره یا قطع ارتباط آن با بقیه عراق انجام شد. اما هیچ‌کدام از این عملیات‌ها به پیروزی نیروهای ایران منجر نشد.

جنگ ایران و عراق شش سال دیگر بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد. در نهایت تیرماه سال ۱۳۶۷ ایران در نامه‌ای به سازمان ملل آتش‌بس با عراق را پذیرفت. اما بعد از گذشت چهار دهه هر سال در آخرین فصل بهار یا روزهای مقاومت خرمشهر و بازگشتش به وطن دوباره جوانه می‌زند؛ جوانه مقاومت، اتحاد، مدلی و اراده.